گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۴۱۹۳
جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ ۱۲:۰۵

دکتر زهره الهیان نماینده ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی؛

استاندارد دوگانه سازمان ملل، مشروعیت اخلاقی آن را نابود کرد؛ از غزه تا ایران، «کدام بشر»؟

زهره الهیان فعال حقوق بشر و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: بحران امروز سازمان ملل، صرفاً یک دعوای حقوقی میان چند قدرت جهانی نیست؛ بلکه نتیجه یک غصب تاریخی است که در آن، حق حاکمیت و برابری انسان ها مصادره شده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اعتلای نهادهای مردمی، دکتر زهره الهیان فعال حقوق بشر و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: سازمان ملل متحد با بحرانی ریشه‌ای مواجه است که فراتر از ناکارآمدی بوروکراتیک، به «غصب تاریخی» حقوق ملت‌ها و طراحی ناعادلانه‌ی حق وتو در شورای امنیت بازمی‌گردد؛ معماری قدرتی که الیگارشی بین‌المللی را نهادینه کرده و مشروعیت اخلاقی سازمان را با استانداردهای دوگانه از بین برده است.

دبیرکل جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی در بخش دیگری افزود: از غزه تا لبنان و سوریه، فلج نهادی شورای امنیت نشان داده است که سازمان ملل به سندیکای دولت‌های انحصارطلب تبدیل شده و صدای ملت‌ها در آن خفه می‌شود. بر اساس این متن، ادامه این روند به «داروینیسم نهادی» و بی‌موضوع شدن سازمان خواهد انجامید.

الهیان در ادامه یادداشت خود تاکید کرد که راهکار برون‌رفت از بن‌بست کنونی، گذار از مدل دولت‌محور به «حکمرانی شبکه‌ای و ملت‌محور» است؛ از طریق نهادینه‌سازی نمایندگی بی‌واسطه (مانند مجمع پارلمانی ملل متحد) و ایجاد موازنه در برابر الیگارشی قدرت با مشارکت شبکه‌های مدنی و چندذی‌نفعه.

متن کامل این یادداشت به شرح زیر است:

بسم الله النور

سازمان ملل متحد در بن بست معماری قدرت؛ ضرورت گذار از الیگارشی شورای امنیت به حکمرانی شبکه ای و ملت محور

مقدمه

امیرالمؤمنین علی (ع) در کلامی جهان شمول می فرمایند: «انسان ها دو دسته اند: یا برادر دینی تواند، یا در آفرینش با تو برابردن.» این نگاه والای انسانی، در تضاد آشکار با واقعیت امروز ساختار قدرت در جهان است. منشور ملل متحد با این عبارت شکوهمند و کامل آغاز می شود: «ما مردم ملل متحد با اراده مصمم بر محفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ ...»؛ عبارتی که فلسفه وجودی این سازمان را بر پایه اراده جمعی بشریت برای حفظ صلح و ترویج حقوق بشر بنا نهاد.

با این حال، ارزیابی وضعیت فعلی سازمان ملل بر اساس شاخص های حکمرانی جهانی نشان می دهد که این نهاد، به ویژه در بخش سیاسی و امنیتی، با یک بحران عمیق و چندوجهی روبروست. ناکارآمدی ساختاری شورای امنیت، آن را به نماد «فلج نهادی» و «انسداد معرفتی» در قرن بیست ویکم تبدیل کرده است.

۱ . ریشه‌یابی بحران: از طراحی نامتقارن تا غصب تاریخی نهاد

بحران مشروعیت و مقبولیت سازمان ملل، پیش و بیش از آنکه ناشی از ناکارآمدی بوروکراتیک باشد، ریشه در دو انحراف بنیادین در معماری قدرت دارد:

• طراحی نامتقارن و الیگارشی حق وتو: نهادهای بین المللی فعلی بازتاب دهنده توزیع قدرت در زمان تأسیس خود (پایان جنگ جهانی دوم) هستند. مشکل اصلی شورای امنیت، تصلب ساختاری نیست، بلکه طراحی عمدی ناعادلانه و انحصاری از همان بدو تأسیس است. حق وتو، اصل برابری حاکمیت ها را نقض کرده و یک الیگارشی بین المللی پدید آورده است.

• تقلیل به مدل دولت محور و مصادره نهادی: انحراف تاریخی بزرگ تر، مصادره حقوق ملت هاست. سازمان ملل در عمل به جای آنکه تجلی اراده جامعه جهانی باشد، به یک سندیکای دولت های انحصارطلب (و نه دولت های آزاده) تقلیل یافت و ملت ها صرفاً به عنوان تابعی منفعل در نظر گرفته شدند. تصمیمات کلان، بر اساس مصلحت سنجی های سیاسی و منافع بلوکی قدرت ها شکل می گیرد و صدای واقعی ملت های آزاده جهان در راهروهای دیپلماسی مدعیان حقوق بشر خفه می شود.

استاندارد دوگانه و مشروعیت اخلاقی

پرسش اساسی این است که در ساختار فعلی، «کدام بشر» در کانون توجه منشور قرار دارد؟ طراحی سیستمی که در آن مفاهیم جهان شمولی چون «صلح» و «حقوق بشر» مستعد تبدیل شدن به ابزارهای هژمونیک هستند، پدیده «استاندارد دوگانه» را نهادینه کرده است.

در چنین سیستم، گویی جان انسان ها بر اساس متغیرهای ژئوپلیتیک ارزش گذاری می شود؛ امری که مشروعیت اخلاقی و هنجاری نهاد حکمران را نزد افکار عمومی جهانی نابود می سازد. بحران اثربخشی مطلق در مهار بحران های انسانی (از جمله در غزه، لبنان، سوریه و در نهایت ایران) خروجی این ساختار ناکارآمد است که با اعمال استانداردهای دوگانه (تعریف بشر؟ کدامین بشر؟ مردم غزه، لبنان، سوریه، ایران بشر نیستند و سایر مردم آزاده و بیدار جهان .... در مقابل ائتلاف ایستین)، مشروعیت اخلاقی سازمان را نابود کرده است.

۲ . خطر داروینیسم نهادی و بی‌موضوع شدن سازمان

استمرار این الیگارشی قدرت، امنیت‌هایی است که با ابزارهای متعلق‌ها را به خطر انداخته است. جهان امروز درگیر بحران‌شناختی ملت‌ها استمرار این الیگارشی قدرت، امنیت‌قابل حل نیستند. در صورت مقاومت در برابر تغییر، سازمان ملل دچار عارضه داروینیسم نهادی شده و به زودی بی‌موضوع خواهدشد.ای، برپایه خدمت به بشر و با اراده ملت‌ها منتقل می‌ای و ائتلاف‌های جدید قدرت های منطقه شد؛ چرا که قدرت بر مدار معماری شبکه

۳. راهبرد گذار: بازطراحی ریشه‌ای به سوی حکمرانی شبکه‌ای با محوریت ملت‌ها

اصلاحات سطحی دیگر پاسخگو نیست؛ نجات مأموریت های بنیادین منشور، نیازمند یک شالوده‌شکنی و شیفت نقطه ثقل حکمرانی به سمت است. به بیان دیگر، الگوی حکمرانی نهادهای بین‌المللی باید برخاسته از خاستگاه مردم‌سالارانه و مبتنی بر نمایندگی اراده جمعی ملت‌ها بازطراحی گردد و همین اراده مبنای عمل قرار گیرد. این گذار از طریق استقرار حکمرانی شبکه‌ای و چندذی‌نفعه محقق می‌شود که دارای دو ستون اصلی است:

• (الف) نهادینه‌سازی نمایندگی بی‌واسطه: در معماری نوین، ادغام شبکه‌های مدنی فراملی، سازمان‌های غیردولتی مستقل، کلان‌شهرها، نخبگان علمی و تشکیل نهادهایی نظیر مجمع‌پارلمانی ملل متحد (UNPA) به یک رکن دائمی، درون‌ساختاری و دارای ضمانت اجرای نهادی هستیم تا اراده ملت‌ها از حاشیه به متن معماری قدرت در سازمان ملل منتقل شود. این ساختار اقماری اجازه می‌دهد صدای واقعی ملت‌های آزاده جهان بدون فیلترهای سیاسی دولت‌های انحصارطلب، در روند مداخله‌های جهانی شنیده شود.

• (ب) ایجاد موازنه شبکه‌ای در برابر الیگارشی قدرت: در یک مدل ملت محور، بلوک های مردمی و شبکه های چندذی‌نفعه به عنوان یک وزنه تعادل سیستماتیک عمل می کنند. در این ساختار، پذیرش حق وتو به عنوان یک پیش فرض قطعی مردود است؛ بلکه این حق انحصاری و ناعادلانه، باید بر اساس ساختاری مبتنی بر مشارکت همگانی و در راستای تحقق عدالت رویه‌ای، متغیر و دگرگون شود تا تصمیم‌سازی‌ها در انحصار چند قدرت خاص باقی نماند.

نتیجه گیری

بحران امروز سازمان ملل، صرفاً یک دعوای حقوقی میان چند قدرت جهانی نیست؛ بلکه نتیجه یک غصب تاریخی است که در آن، حق حاکمیت و برابری انسان ها مصادره شده است. سازمان ملل نیازمند تولدی دوباره است تا در نهایت، تصمیم‌گیرندگان واقعی همان هایی باشند که منشور با نام آن ها آغاز می شود: (جانشینان خداوند در زمین). آینده حکمرانی جهانی باید بر این اصل استوار باشد که قدرت تنها در خدمت بشر و بر مدار اراده ملت‌های بیدار و آزاد (انسان‌های مبعوث شده) تنظیم گردد و در نهایت باید گفت که جنگ رمضان، مقدمه این بازطراحی و معماری نوین حکمرانی جهان با محوریت قدرت و مقام انسان با علمداری ایران رشید در رأس قدرت‌های برتر دنیا با محوریت بعث ملت‌های آزاده جهان است.

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَداً آمِناً وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

زهره الهیان فعال حقوق بشر